



نسبت توسعه اقتصادی و تغییرات فرهنگی در ایران پس از جنگ

گزارش حاضر متن هشت سخنرانی پیرامون «نسبت توسعه اقتصادی و تغییرات فرهنگی در ایران پس از جنگ» است که طی چند جلسه در محل انجمن جامعه‌شناسی ایران و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار گردید.

مقدمه

برنامه‌های توسعه در سال‌های پس از جنگ با اجماع نسبی مسئولان و به قصد بازسازی کشور آغاز شد. این برنامه‌ها در نیمه دهه ۷۰ و با آشکارگشتن بحران‌های اقتصادی تاحدی دچار تجدیدنظر شد، اما پیش از آنکه نتایج اقتصادی این برنامه بحث‌برانگیز شود، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن در نظر بخشی از مردم و به‌ویژه مسئولان «مسئله‌ساز» شده بود. از این دیدگاه، پیامدهای فرهنگی «نامطلوب توسعه» در سراسر حیات اجتماعی خودنمایی می‌کرد: باورها و اعتقادات مردم، تبلیغات تجاری، نوع حجاب زنان و دختران، تغییر ملموس سبک زندگی، گسترش پدیده‌هایی چون طلاق، سینما و تئاتر و... .

این نقدها تنها به طیف موسوم به راست منحصر نمی‌شد بلکه گروهی که آن زمان به چپ خط امام مشهور بودند - و نشریاتی چون عصر ما و بیان و سلام، پژواک صدای آنان بودند- نیز برنامه تعدیل ساختاری اقتصاد را موجد تغییر فرهنگی عظیمی در جامعه ایران به شمار می‌آوردند. برخی روشنفکران «چیگرا» نیز در این برنامه نوعی حرکت به سوی سرمایه داری جهانی را مستتر می‌دیدند. از قضا در این زمان جنبه متفاوتی از این بحث نیز در جریان بود و آن الزامات و زمینه‌های فرهنگی توسعه است: برای تبدیل شدن به کشوری توسعه‌یافته چه ویژگی‌های فرهنگی لازم است؟ در واقع دو شکل از این بحث همواره در جریان بوده است: یکی از تبعات رویکرد اقتصادی مسلط در سال‌های پس از جنگ پرسش می‌کند و آن را مهم و تعیین‌کننده می‌یابد؛ به‌ویژه آنکه این الگو با «جهانی شدن» و «انقلاب ارتباطات» نیز توأم شده است. دیگری اما دل‌نگران «توسعه» است و اینکه چه تغییرات فرهنگی لازم است تا ما نیز بتوانیم ردای «توسعه یافتگی» را بر تن کنیم.

در سال‌های اخیر بحث اقتصاد بازار آزاد و «نئولیبرالیسم» نیز به این مناقشه افزوده شده است. گروه زیادی از نویسندگان و تحلیلگران «انتقادی»، «نئولیبرالیسم» را همان مفهومی می‌دانند که تحول اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در ایران پس از جنگ را توضیح می‌دهد و تبیین می‌کند. از دید آنان، در بیش از دو دهه اخیر- همبسته با الگوهای مسلط جهانی و به رغم همه مناقشات و افت و خیزها- روند «نئولیبرال‌سازی» اقتصاد و جامعه ایران نیز در جریان بوده است. و بدین‌سان فرهنگ امروز ما، اگر نگوییم محصول این روند، دست کم به شدت تحت تأثیر آن است. بحث‌ها و جدل‌ها بر سر این شکل از تحلیل فراوان است: آیا این نسخه دیگری از همان الگوی کهنه زیربنا- روبنا نیست که فرهنگ را صرفاً در حکم روبنا تصور می‌کند؟ آیا فرهنگ ایران به راستی «نئولیبرالی» است؟ میان ایدئولوژی رسمی و این فرهنگ چه رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا این شکل از تحلیل در عمل به معنای نادیده انگاشتن ویژگی‌های خاص جامعه و فرهنگ و سیاست ایران نیست؟ (مثلاً آیا تحول فرهنگی و اجتماعی در ایران پس از پایان جنگ را می‌توان بی‌توجه به پیچیدگی‌های دهه نخست انقلاب تحلیل کرد؟) و غیره.

هر کدام از طرفین این بحث از وضعیت جاری جامعه ایران «فاکت‌هایی» دستچین می‌کنند که صحت تحلیلشان

را نشان می‌دهد. بنابراین همهٔ دعا بر سر فقدان داده‌های کافی نیست، بلکه بخش مهمی از آن بر سر چارچوب مفهومی و الگوی تحلیلی است، چنانکه در سال‌های اخیر پیمایش‌های ملی یا پژوهش‌های گستردهٔ فراوانی انجام شده، اما به آن میزان که انتظار می‌رود به پیشبرد این بحث کمک نکرده است.

از این رو هدف ما در این سلسله نشست‌ها تنقیح و تدقیق این بحث و مفاهیم و مولفه‌های کلیدی تحلیل است؛ تلاش خواهیم کرد تا از تحلیلگران و صاحب‌نظران جدی در این حیطه- به رغم اختلاف‌نظرهایی که ممکن است با هم داشته باشند- بخواهیم به سؤالات فوق پاسخ گویند و در چارچوب رویکرد خویش چارچوب مفهومی و تحلیلی تا حد ممکن دقیق و صریحی پیش نهند. در مواردی از سخنرانان خواسته می‌شود که با در نظر گرفتن تخصصشان چارچوب کلی بحث را در حیطه‌ای خاص مثلاً آموزش یا «مسئلهٔ زنان» دنبال کنند.

گرچه در ایران برگزاری سخنرانی و «نشست» با این مخاطره روبه‌روست که از کلی‌گویی و تکرار فراتر نرود، اما در این سلسله نشست‌ها تلاش شده است تا با انتخاب سخنرانانی با پیشنهاد عناوین مشخص و روشن ساختن ساختار کلی بحث، قدری از این معضل همه‌گیر اجتناب شود. در مجموع هشت سخنرانی طی چند جلسه در محل انجمن جامعه‌شناسی ایران و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار گردید. متن پیاده شده این سخنرانی‌ها پس از ویرایش و طرح سوال‌ها و ابهام‌ها به سخنرانان بازگردانده شد تا نسخه نهایی برای انتشار آماده شود. این نشست‌ها با همکاری گروه جامعه‌شناسی اقتصادی انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار گردید. موضوعات تخصصی ارائه شده در این نشست‌ها به شرح زیر است.

زنان فقیر: بی‌ثبات کاری و اشتغال غیررسمی با تمرکز بر الگوی اشتغال زنان پس از جنگ / دکتر فاطمه صادقی

نسبت توسعه و فرهنگ / دکتر تقی آزاد ارمکی

نسبت تمدن و فرهنگ / دکتر مرتضی مردیها

ریشه‌های اقتصادی خصومت‌های قومی نژادی: مروری بر وضعیت پناهندگان افغانستانی در ایران / دکتر آرش نصر اصفهانی

تعارض در میدان سیاستگذاری؛ مسئلهٔ کودکان بی‌شناسنامه / دکتر رضا امیدی

نگاهی به مناسبات اقتصاد و فرهنگ از منظری ساختاری و کارکردی / دکتر سالار کاشانی

تحلیل روابط اقتصاد و فرهنگ از دیدگاه پیر بوردیو / دکتر رضا تسلیمی

فرهنگ، اقتصاد و سیاست / دکتر بهزاد عطارزاده